

حضرت فاطمه علیها السلام و ولایت کبرا

<?xml encoding="UTF-8?>

چکیده

ولایت کبرای حضرت زهرا علیها السلام در امتداد ولایت مطلق خداوند قرار دارد، به گونه ای که ایشان به اذن الهی، حق دخل و تصرف در امور عالم را دارد و می تواند نفوس انسان های مستعد را شناخته، به سرمنزل مقصود رهنمون سازد. آیاتی در باب اثبات عصمت و طهارت و علم وهبی و لدنی ایشان بخصوصه یا در جمله اهل بیت علیهم السلام نازل گردیده و روایاتی نیز به طور عام یا خاص درباره حضرت زهرا علیها السلام صادر شده اند که از این میان، چهل منقبت درباره آن حضرت استخراج گردیده که همگی بیانگر آنند که ایشان در عالم آفرینش رکن می باشد.

نکته مسلم آن است که این روایات مبتنی بر آیات بوده و با سندهای محکم و متقن در میان منابع و مراجع فقهی و روایی ما بیان شده اند و حجّیت خود را حفظ کرده اند. کلیدواژه ها: حضرت فاطمه علیها السلام ، ولایت کبرا، ولایت عامّه، ولایت خاصّه، علم لدنی، ولایت مطلقه، ولایت مقیّده.

مقدمه

عده ای بر این باورند که حضرت فاطمه علیها السلام از آن رو که دخت گرامی رسول والامقام صلی الله علیه و آله می باشد، دارای منقبت و فضایی خاص است، اما آنچه باید بدان توجه نمود این است که حضرت فاطمه علیها السلام صاحب ولایت کبراست؛ یعنی همان گونه که باید به ولایت رسول گرامی، امیرمؤمنان علی و حسنین علیهم السلام ایمان و اعتقاد قطعی داشت، باید به ولایت فاطمه زهرا علیها السلام نیز اذعان و اعتراف نمود. پیش از ورود به بحث اصلی، لازم است مطالبی در زمینه ولایت بیان شوند تا اثبات چنین امری از طریق آیات و روایات قابل بررسی و تحقیق باشد.

«ولایت» در لغت و اصطلاح

«ولایت» به معنای قرب، محبوبیت، تصرف، ربوبیت و نیابت، دارای مراتبی است که برخی از مراتب آن اوسع و اتمّ از دیگر مراتبند. باطن ذات ولایت، کنز مخفی است و به حسب ظهور، دارای شدت و ضعف و کمال و نقص می باشد.

«ولایت» در اصطلاح اهل معرفت، حقیقت کلیه ای است که شأنی از شئون ذاتی حق می باشد و علم ظهور حقایق خلقی است. مبدأ ولایت، حضرت احدیت است و انتهای آن عالم ملک و شهادت.

اقسام ولایت

ولایت به اعتبار مفهوم، به دو بخش «مطلق» و «مقیّد» تقسیم می شود. (2) اما به اعتبار مصداق، ولایت به «عامّه» و «خاصه» تقسیم می گردد. ولایت از آن اعتبار که صفتی از صفات الهی است، «مطلق»، و به اعتبار استناد به انبیا و اولیا علیهم السلام «مقیّد» می شود؛ در واقع، مقیّد، مرتبه نازله مطلق است. از آن رو که ولایت شامل جمیع اهل ایمان می شود، آن را «ولایت عامّه» گویند. «ولایت خاصه» نیز به اهل سلوک و شهود اختصاص دارد که به اعتبار فنای آن ها در حق و بقا به وجود مطلق، به این مقام می رسند. (3) چون دایره ولایت به حسب حیطة و شمول، بزرگ تر از نبوّت است و نبوّت جهت ظاهری ولایت و ولایت جهت باطنی نبوّت است، از این رو، انبیا در حیطة مقام ولایت واقع شده اند. انبیا به اعتبار جهت ولایت، فانی در حق و متصل به علم ربّ مطلق می باشند و به مصالح و مفاسد اجتماعی آگاهی پیدا می کنند. (4) ابتدای ولایت، انتهای سفر اول سالک الی الله می باشد و وجودش حقانی می گردد. (5) مقام «ولایت مطلقه» مقام حصول جمیع کمالات وجودی و صفات کمالی و مجمع مظاهر و مراتب است. این وجود جمعی کامل تمام محمّدی فانی در حق و باقی به اوست (6) و محیط بر جمیع مراتب وجودی می باشد. بر همین اساس، ائمه اطهار علیهم السلام معارف حقیقی و احکام الهی را از مأخذی که خاتم رسل اخذ می نموده است، دریافت می نمایند. این مأخذ برای پیامبر صلی الله علیه و آله بالاصاله و برای ائمه اطهار علیهم السلام به تبع وجود خاتم است. به همین دلیل، اجماع شیعه بر آن است که علم ائمه اطهار علیهم السلام لدنّی و وهبی است. (7)

ولایت کبرای حضرت زهرا علیها السلام در آیات و روایات

پس از بیان این مقدمه، باید اذعان کرد که حضرت فاطمه علیها السلام گوهری قدسی در تعین و صورت انسی است و آن حضرت انسیه حورا و عصمت کبرای الهی است. (8) این مهم در آیات و روایات به خوبی مشهود است.

الف. آیات

1. «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب: 33)؛ خداوند چنین اراده فرموده است که ناپاکی را فقط از شما اهل بیت ببرد و شما را پاک و منزّه گرداند.
2. «فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» (آل عمران: 61)؛ بگو (ای پیامبر): بیایید، بخوانیم ما فرزندانمان و شما فرزندانتان را، و ما زنانمان و شما زنانتان را، و ما خودمان و شما خودتان را، سپس به مباحله برخیزیم تا دروغگویان را به لعن خدا گرفتار سازیم.
3. «فَتَلَقَى آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ» (بقره: 37)؛ پس آدم از خداوند کلماتی فراگرفت و آن کلمات را وسیله توبه خویش قرار داد.
4. «وَإِذِ ابْتَلَى إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ» (بقره: 124)؛ هنگامی که ابراهیم را پروردگارش با کلماتی امتحان نمود، پس آن کلمات را تمام کرد.
5. «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (شوری: 23)؛ بگو ای پیامبر، من بر آن (انجام رسالت) پاداشی از شما نمی خواهم، مگر مودّت با خویشان نزدیکم.
6. «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا» (دهر: 89)؛ آنان که در راه دوستی خدا طعام خود را به فقیر و یتیم و اسیر می دهند؛ (می گویند): ما فقط برای رضای

خدا به شما طعام می دهیم و از شما هیچ پاداش و سپاسی نمی طلبیم.

7. «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» (احزاب: 72)؛ ما امانت را به آسمان ها و زمین و کوه ها عرضه کردیم، آن ها نپذیرفتند و ترسیدند که آن را حمل کنند، در حالی که انسان این امانت را پذیرفت؛ که او بسیار ستم کار و نادان است.

هر یک از این هفت آیه به نوعی، بیانگر ولایت حضرت صدیقه علیهاالسلام می باشند. درباره آیه اول، که به آیه «تطهیر» معروف است، روایات متواتری در شأن نزول آن نقل می کنند که این آیه در خانه ام سلمه نازل شد، زمانی که اهل بیت (پنج تن) علیهم السلام در زیر عبا قرار گرفته بودند و ام سلمه نیز از آمدن در زیر عبا نهی شد. غیر از جماعتی از صحابه، قریب 300 تن دیگر نیز این روایت را به همین شکل نقل کرده اند که نام آن ها در کتاب الغدير آمده است.

این آیه بیانگر عصمت اهل بیت علیهم السلام و از جمله حضرت زهرا علیهاالسلام می باشد عصمت از جمله شئون منصب ولایت است و غیر از معصومان علیهم السلام کسی را سراغ نداریم که ولایت کبرا داشته باشد. (9) آیه دوم به آیه «مباهله» معروف است. در ماجرای مباهله، حضرت زهرا علیهاالسلام نیز شرکت داشتند؛ چرا که «ابنائنا» در آیه، حسنین علیهماالسلام هستند و منظور از «انفسنا» پیامبر و حضرت علی علیهماالسلام می باشند و از حضرت زهرا علیهاالسلام، که بانوی معصوم می باشد، با لفظ «نسائنا» تعبیر شده است. چون امر مباهله یک امر عادی نیست و تنها از افراد شایسته و مقدّس برمی آید، حضرت زهرا علیهاالسلام یکی از شخصیت هایی است که مشمول آیه می باشد و این از مسلّمات است. (10)

درباره آیه سوم، روایاتی نقل شده اند که نشان می دهند همان گونه که رسول اکرم و حضرت علی و امام حسن و امام حسین علیهم السلام سبب خلقتند، حضرت زهرا علیهاالسلام نیز یکی از اسباب آفرینش جهان است، و معقول نیست کسی علت خلقت باشد و ولایت نداشته باشد. در این روایات، کلماتی را که حضرت آدم علیه السلام از حق تعالی فرا گرفت و به وسیله آن ها، توبه اش مورد قبول واقع شد، نام های مبارک اهل بیت علیهم السلام می باشند. در بخشی دیگر از روایات، خداوند در پاسخ حضرت آدم علیه السلام که عرض کرد: آیا نزد تو مخلوقی محبوب تر از من هست؟ خداوند فرمود: بلی، مخلوقاتی از تو محبوب تر دارم که اگر آن ها نبودند، تو را نیز نمی آفریدم، و سپس نام اهل بیت و فرزندان ایشان علیهم السلام برده می شود. (11)

درباره آیه چهارم، همانند آیه سوم منظور از «کلمات» طبق روایتی که مفضل بن عمر از بزرگان صحابه امام صادق علیه السلام نقل می کند، «اهل بیت علیهم السلام» می باشند و منظور از «أَتَمَّهُنَّ» نه امام دیگر از اولاد امام حسین علیهم السلام می باشند. امام صادق علیه السلام همچنین طبق روایتی می فرماید: «نحن الکلمات»؛ ما آن کلماتی هستیم که خداوند در قرآن به آن ها اشاره می فرماید. (12)

حال چگونه ممکن است که اشخاصی در منطق وحی «کلمات الهی» نامیده شوند و انبیا به آنان متوسّل گردند، ولی خودشان عاری از ولایت باشند؟! حضرت زهرا علیهاالسلام از این کلمات می باشد. درباره آیه پنجم نیز روایات بسیاری میان شیعه و سنی مطرحند که منظور از «مودّت قریبی» محبت اهل بیت علیهم السلام می باشد. این مودّت هم سنگ و هم وزن اجر رسالت محمّدی است. به دنبال نازل شدن این آیه، حافظ ابوعبدالله ملاّ روایتی را در سیره اش نقل می کند: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خدای تعالی مزد رسالتم را، که بر عهده شماست، مودّت خویشان و نزدیکانم قرار داده است و من در روز قیامت، نسبت به این مودّت از شما بازخواست خواهم کرد.» (13)

با توجه به این روایت، آنچه در روز قیامت همه در مقابل آن مسئولیم ولایت چهارده معصوم علیهم السلام است که از جمله آن ها ولایت حضرت زهرا علیها السلام می باشد.

درباره شأن نزول سوره «اهل اتي»، از مسلمات شیعه و سنی است که حضرت زهرا علیها السلام یکی از اشخاصی است که این سوره در شأن آن ها نازل شده. (14)

در آیه ششم، فضایل اهل بیت علیهم السلام را بیان نموده که حضرت صدیقه علیها السلام نیز یکی از آنان است. چنین فضایی تنها از آن کسانی هستند که ولایت آن ها از جانب خداوند تأیید شده باشد.

اما درباره آیه هفتم، که خداوند امانتی را به آسمان ها و زمین و کوه ها عرضه کرد و آن ها زیر بار پذیرش آن نرفتند، امام صادق علیه السلام می فرماید: منظور از «امانت»، «ولایت» است که اهل بیت علیهم السلام بار آن را بر دوش خود حمل می کنند. (15)

مفضل بن عمر طبق روایتی از امام صادق علیه السلام درباره این آیه، نقل می فرماید که اگر این چهارده تن نبودند، آدم و همسرش آفریده نمی شدند، و اینان خزانه داران علم الهی و امینان اسرار حق می باشند. حضرت فاطمه علیها السلام یکی از گنجوران دانش و امانت داران اسرار خدایی است.

ب. روایات

اما احادیثی که در منقبت حضرت زهرا علیها السلام وارد شده اند به دو بخش تقسیم می شوند: بخش اول، روایاتی که در ذیل آیات بیان شده اند و بخش دوم روایاتی که در شأن حضرت آمده اند و با آیه ویژه ای مرتبط نیستند. روایات بخش دوم نیز به دو دسته تقسیم می شوند: یک دسته روایات اشتراکی اند که در منقبت اهل بیت علیهم السلام بیان شده اند که حضرت زهرا علیها السلام نیز در آن مناقب اشتراک دارند و دسته دوم احادیث اختصاصی اند که تنها به مدح و فضایل حضرت صدیقه علیها السلام می پردازند. قابل توجه آنکه روایات اشتراکی در پانزده موضوع رده بندی شده و عبارتند از:

1. اهل بیت علیهم السلام ؛ علت آفرینش؛
2. معرفی شدن اهل بیت علیهم السلام به همه فرشتگان؛
3. منور بودن بهشت با تصویر اهل بیت علیهم السلام ؛
4. اهتدا و اقتدا و تمسک به ایشان از جانب مردم؛
5. تولا و تبرای مردم نسبت به دوستان و دشمنان ایشان؛
6. اشتراک در مقام ولایت؛
7. رکن بودن حضرت فاطمه و پیامبر علیهما السلام نسبت به حضرت علی علیه السلام ؛
8. جواز (استثنایی) ورود و توقف اهل بیت علیهم السلام در مسجد النبی صلی الله علیه و آله در جمیع حالات؛
9. اشتراک اهل بیت علیهم السلام در شنیدن سخن فرشتگان (محدثه بودن)؛
10. مژده بهشت پیامبر صلی الله علیه و آله به شیعیان حضرت علی علیه السلام و شیعیان حضرت زهرا علیها السلام (به صورت مشترک)؛
11. اشتراک در مبدأ خلقت بودن، در خوی و سرشت و در شئون دیگر آفرینش؛
12. اشتراک اهل بیت علیهم السلام در کیفیت خلقت یکسان ایجاب می کند که در تمام شئون ولایت در ردیف یکدیگر باشند.

13. اشتراک اهل بیت علیهم السلام در مقامات و درجاتی که منحصر به پنج تن است و برای هیچ بشری به آن درجات راهی نیست.

14. مقام رکوب (سواره بودن) اهل بیت علیهم السلام در روز قیامت، در بهشت و در هنگام سیر در مواقف آخرت.

اشتراک اهل بیت علیهم السلام در صلوات بر ایشان و کیفیت زیارت ایشان.

نتیجه پانزده موضوع مزبور چهل منقبت می باشند که بسیاری از آن ها از شئون ولایت و از خصوصیات ولی الله هستند و حضرت زهرا علیها السلام در این مناقب با پیامبر و دیگر معصومان علیهم السلام سهیم می باشد و این حاکی از مقام والای ولیة اللهی آن حضرت است. این چهل منقبت عبارتند از: (16)

1. آفرینش حضرت زهرا علیها السلام پیش از خلقت دیگران: «خَلَقْتُهَا قَبْلَ النَّاسِ شَأْنَ أَبِيهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِيهَا، وَ هُمْ أَنْوَارٌ يُسَبِّحُونَ اللَّهَ وَ يُقَدِّسُونَهُ وَ يُهَلِّلُونَهُ وَ يَكْبِّرُونَهُ.»

2. آفرینش حضرت زهرا علیها السلام از نور عظمت حضرت حق: «خَلَقَهَا مِنْ نَوْرِ عِظْمَةِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ هِيَ ثُلُثُ النُّورِ الْمَقْسُومِ بَيْنَهَا وَ بَيْنَ أَبِيهَا وَ بَعْلِهَا.»

3. سبب و علت آفرینش آسمان ها و زمین: «عَلَّتْهَا فِي خَلْقَةِ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ وَ الْعَرْشِ وَ الْكُرْسِيِّ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ الْإِنْسِ وَ الْجِنِّ.»

4. نام گذاری حضرت زهرا علیها السلام از سوی خدای متعال: «تَسْمِيَّتُهَا مِنْ عِنْدِ رَبِّ الْعِزَّةِ.»

5. مشتق شدن نام فاطمه علیها السلام از اسماء خدای تبارک و تعالی: «اِشْتِقَاقُ اسْمِهَا مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى.»

6. توسل انبیا به حضرت فاطمه علیها السلام: «تَوَسَّلُ الْأَنْبِيَاءُ بِهَا وَ بِأَسْمَائِهَا.»

7. نوشته شدن نام حضرت فاطمه علیها السلام بر ساق عرش و درهای بهشت: «كِتَابَةُ اسْمِهَا عَلَى سَاقِ الْعَرْشِ وَ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ لَدَى أَبِيهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِيهَا.» (17)

8. تصویر حضرت زهرا علیها السلام در بهشت: «كُوِّنَتْهَا شَبَحًا عَنْ يُمْنَةِ الْعَرْشِ وَ صُورَةً فِي الْجَنَّةِ.» (18)

9. هدایت و پیشوایی حضرت فاطمه علیها السلام: «اِشْتِرَاكُهَا فِي الْإِهْتِدَاءِ وَ الْاِقْتِدَاءِ وَ التَّمَسُّكِ بِهَا رَدْفَ أَبِيهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِيهَا.»

10. عصمت و طهارت: «اِشْتِرَاكُهَا فِي الْعِصْمَةِ وَ دُخُولُهَا فِي آيَةِ التَّطْهِيرِ.» (19)

11. امانت داری ولایت الهی: «كُوِّنَتْهَا مِنَ الْأَمَانَةِ الْمَعْرُوضَةِ عَلَى السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبَالِ.»

12. دارای مقام رکن نسبت به حضرت علی علیه السلام: «اِشْتِرَاكُهَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ فِي الرِّكْنِيَةِ لِأَعْلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ.»

13. جواز ورود به مسجد النبی در هر زمان: «اِشْتِرَاكُهَا فِي تَطْهِيرِ مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ نَظِيرَ أَبِيهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِيهَا.»

14. محدثه بودن حضرت زهرا علیها السلام: «كُوِّنَتْهَا مُحَدَّثَةً كَالْأُتَمَّةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَوْلَادِهِ.» (20)

15. مزده نجات و رستگاری به شیعیان حضرت زهرا علیها السلام: «اِشْتِرَاكُهَا مَعَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَوْلَادِهِ فِي التَّبَشِيرِ بِشِيعَتِهَا وَ مُحَبِّبِهَا.» (21)

16. سواره محشور شدن حضرت زهرا علیها السلام در روز قیامت: «رُكُوبُهَا يَوْمَ الْقَامَةِ كَأَبِيهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِيهَا.»

17. دست به دامن پیامبر بودن در قیامت؛

18. سخن گفتن حضرت زهرا علیها السلام با مادرش در رحم: «كَانَتْ تُحَدِّثُ أُمُّهَا وَ هِيَ فِي بَطْنِهَا وَ تُصَبِّرُهَا.» (22)

19. بیان شهادتین در هنگام ولادت: «تُكَلِّمُهَا بِالشَّهَادَتَيْنِ حِينَ الْوِلَادَةِ.» (23)
20. عالم به گذشته و آینده: «اشترأُكُهَا مَعَ أَبِیْهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِیْهَا فِی الْعِلْمِ بِمَا كَانَ وَ مَا یَكُونُ وَ مَا لَمْ یَكُنْ إِلَى یَوْمِ الْقِیَامَةِ.» (24)
21. پاک و طاهر از مادر متولد شدن: «وَلَدَتْهَا طَاهِرَةً مَطْهَرَةً زَكِيَّةً مِیْمُونَةً نَقِیَّةً.» (25)
22. رشد حضرت زهرا علیها السلام در هر ماه به اندازه یک سال: «نُمُوُّهَا فِی الْیَوْمِ وَالشَّهْرِ مِثْلَ مَا جَاءَ فِی نُمُوِّ الْأَئِمَّةِ الْإِطْهَارِ.» (26)
23. نورافشانی وجود حضرت زهرا علیها السلام هنگام ولادت بر تمام خانه های مکه و شرق و غرب عالم: «دُخُولِ نَوْرِهَا حِینَ وُلِدَتْ بِبُیُوتَاتِ مَكَّةَ كَوِلَادَةِ أَبِیْهَا.» (27)
24. بشارت فرشتگان به یکدیگر هنگام ولادت حضرت فاطمه علیها السلام: «تَبَشِيرُ أَهْلِ السَّمَاءِ بَعْضُهُمْ بَعْضًا.» (28)
25. وجوب محبت حضرت فاطمه علیها السلام بر همگان: «فِی وَجُوبِ حُبِّهَا كَحُبِّ بَعْلِهَا وَ بَنِیْهَا أَجْرًا لِلرِّسَالَةِ الْخَاتِمَةِ.»
26. حضور در قُبَّةِ الوَسِیْلَةِ یا درجه الوَسِیْلَةِ بهشت: «اشْتِرَآكُهَا مَعَ أَبِیْهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِیْهَا فِی دَرَجَةِ الْوَسِیْلَةِ فِی الْجَنَّةِ.»
27. حضور در قُبَّةِ زَیْرِ عَرَشِ: «اشْتِرَآكُهَا مَعَ أَبِیْهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِیْهَا یَوْمَ الْقِیَامَةِ فِی قُبَّةٍ تَحْتَ الْعَرْشِ.»
28. نخستین کسی که وارد بهشت می شود: «فِی الدَّخُولِ إِلَى الْجَنَّةِ قَبْلَ النَّاسِ.» (29)
29. نام حضرت فاطمه علیها السلام یکی از کلماتی بود که حضرت آدم علیه السلام فرا گرفت: «فِی أَنَّهَا مِنْ الْكَلِمَاتِ الَّتِی تَلْقَیْهَا آدَمُ وَ ابْتَلَى بِهَا إِبْرَاهِیْمَ رَبُّهُ.»
30. حضور حضرت صدیقه علیها السلام در مباحله در میان «ابناءنا» و «انفسنا»: «دُخُولُهَا فِی آيَةِ الْمَبَاهِلَةِ بَيْنَ ابْنَائِنَا وَ انْفُسِنَا.»
31. حضرت زهرا علیها السلام ؛ مشمول حکم تولّا و تبرّا و حب و بغض و صلح و جنگ همراه با رسول خدا صلی الله علیه و آله : «وَوَحَدَتْهَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ وَ عَلِيٍّ وَ بَنِيهِ فِی حَكْمِ الْحَبِّ وَ الْبَغْضِ وَ الْوَلَاءِ وَ الْعِدَاءِ وَ فِی حَكْمِ السَّلَامِ وَ الْحَرْبِ وَ فِی حَكْمِ السَّبِّ وَ الْإِذْيِ.» (30)
32. همتا بودن در صفات و ارزش های معنوی با حضرت علی علیه السلام : «فِی كَفَوِيَّتِهَا مَعَ عَلِيٍّ فِی الْمَلَكَاتِ وَ النِّفْسَانِيَّاتِ، وَلَوْ لَمْ یُخْلَقْ عَلِيٌّ لَمْ یَكُنْ لَهَا كَفُوٌّ مِنْ آدَمَ وَ مِنْ دُونِهِ.» (31)
33. دشمنی با حضرت فاطمه علیها السلام ؛ موجب کفر: «كُفْرٌ مَنْ أَبْغَضَ فَاطِمَةَ.»
34. حضرت فاطمه علیها السلام ؛ ملجأ و مرجع توسّل انبیا: «فِی الْأَمْرِ بِالتَّوَسُّلِ إِلَيْهَا كَأَبِیْهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِیْهَا فِی الْحَوَائِجِ وَ عِنْدَ كُلِّ مَسْأَلَةٍ وَ الْأَمْرِ بِحُبِّهَا وَ الصَّلَاةِ عَلَیْهَا وَ زِيَارَتِهَا.»
35. حضرت صدیقه علیها السلام ؛ مورد شأن نزول سوره «هل أتی»: «دُخُولُهَا فِی فَضْلِ سُوْرَةِ "هَلْ أَتَى" مَعَ بَعْلِهَا وَ بَنِیْهَا.»
36. آشنا بودن با حورالعین در هنگام ولادت: «عِرْفَانُهَا رُسُلَ رَبِّهَا إِلَيْهَا عِنْدَ وِلَادَتِهَا وَ التَّسْلِيمِ عَلَیْهَا بِأَسْمَائِهَا.»
37. برگزیده خداوند تبارک و تعالی در میان جمیع زنان عالم: «إِطْلَافُ اللَّهِ عَلَيَّ الْأَرْضِ وَ اخْتِيَارُهَا عَلَيَّ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ.»
38. بزرگ ترین شفیع شیعیان و دوست داران خود در روز قیامت: «كَوْنُهَا شَفِیْعَةً كُبْرَى یَوْمَ الْقِیَامَةِ لِشِیْعَتِهَا وَ

مُحِبِّهَا.»

39. شناساندن مقام حضرت زهرا علیها السلام به اهل محشر از سوی خداوند: «يُعَرِّفُ اللَّهُ قَدَرَهَا كَمَا يُعَرِّفُ قَدَرَ آبِیْهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِیْهَا یَوْمَ الْقِیَامَةِ.»
40. افضلیت حضرت زهرا علیها السلام بر جمیع مخلوقات بنا بر روایات معتبر منصوص و مسلم: «فِي أَفْضَلِیَّتِهَا عَلَی الْمَلَائِكَةِ وَالْجَنِّ وَالْإِنْسِ.» (32)

نتیجه

نتیجه ای که از این بحث به دست می آید آن است که اولاً، حضرت زهرا علیها السلام معصوم است و ثانیاً، معصوم مطلق می باشد. بنابراین، قول و فعل و تقریر او، سنت اسلامی محسوب می شود. ثالثاً، سنت ایشان حجت است. پس فرقی در حجّیت سنت حضرت زهرا علیها السلام با سایر ائمه اطهار علیهم السلام نیست. و این تنها در مقام داشتن ولایت قابل طرح و بررسی می باشد؛ چرا که «سنت» به این معنای وسیع، منبع فقه اسلامی بوده و معیار آن هم تنها عصمت است و در نتیجه، حضرت زهرا علیها السلام به خاطر عصمت و ولایت، یکی از منابع فقه اسلامی می باشد. (33)

پی نوشت ها :

- 1 دکترای عرفان اسلامی، مدرّس حوزه و دانشگاه.
2. محمدرضا قمشه ای، رساله خلافت کبری، ترجمه و شرح علی زمانی قمشه ای، اصفهان، کانون پژوهش، 1378، ص. 190.
3. جلال الدین آشتیانی، شرح مقدمه قیصری بر فصوص الحکم، امیرکبیر، 1370، ص. 864865.
4. همان، ص. 871.
5. همان، ص. 872.
6. همان، ص. 890.
7. همان، ص. 906.
8. حسن حسن زاده آملی، شرح فصّ حکمة عصمتیة فی کلمة فاطمیة، ص. 153.
9. سیدمحمدحسن طباطبایی، المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، محمدی، 1370، ج 32، ص. 181.
10. عبدعلی بن جمعه عروسی حویزی، تفسیر نورالثقلین، ج 1، ص. 347.
11. این روایات را سیوطی در الدر المنثور، بدخشانی از حافظ کبیر، دارقطنی از ابن النجار، و ابن مغازلی در مناقبش با ذکر سند نقل کرده اند.
12. سیدمحمدحسین طباطبایی، پیشین، ج 1، ص 275، به نقل از: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ترجمه و شرح سیدهاشم رسولی، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام، ج 2، ص. 117.
13. ابراهیم امینی، فاطمه زهرا علیها السلام، ص. 26.
14. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، قم، مطبعة العلمیه، ج 3، ص. 373375.
15. عبد علی بن جمعه عروسی حویزی، پیشین، ذیل سوره احزاب، آیه. 72.

16. به نقل از: عبدالحسین امینی، فاطمة الزهراء علیها السلام ، به کوشش حبیب چایچیان، امیرکبیر، 1363، ص 107118.
17. احمد خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج 1، ص 259 / ذبیح الله محلاتی، ریاحین الشریعه، تهران، اسلامیه، ج 7 ص 171.
18. ذبیح الله محلاتی، پیشین، ج 1، ص 114.
19. همان، ج 1، ص 162.
20. ذبیح الله محلاتی، ریاحین الشریعه، ج 1، ص 37.
21. همان، ج 1، ص 225.
22. محمد الحسون، اعلام النساء، اسوه، 1411 ق، ص 536.
23. همان، ص 536 / ذبیح الله محلاتی، پیشین، ج 1، ص 64.
24. ذبیح الله محلاتی، پیشین، ج 1، ص 185.
25. همان، ج 1، ص 65.
26. همان، ج 1، ص 74.
27. همان، ج 1، ص 64.
28. همان، ج 1، ص 65.
29. علاءالدین علی المتقی، کنز العمال، ج 6، ص 219.
30. محمد الحسون، پیشین، ص 543.
31. محمد بن یعقوب کلینی، پیشین، ج 2، ص 360، «کتاب الحجة».
32. ذبیح الله محلاتی، ریاحین الشریعه، ج 1، ص 48.
33. عبدالله جوادی آملی، زن در آئینه جلال و جمال، نشر فرهنگ رجاء، 1370، ص 391.